

زندگی

صحنه‌ای از سریال با حضور پدربزرگ قصه و دوستش آقازاقي



فیلم‌های طنز ایرانی در چند سال اخیر، بیشتر حس نشستن در کلاس یک مدرسه راهنمایی را می‌داد که دانش‌آموزان نوجوان و بازیگوش به دنبال تبدیل هر جمله معلم به یک شوخی جنسی هستند



درباره سریال جدید سروش صحت

مگه تموم عمر چند تا بهاره... باقی مونده جز مختصری نیست

نوشین تقیانی
نویسنده



بعضی از انسان‌ها، در هر حوزه یا حرفه‌ای که باشند، تبدیل به یک برند و حتی ژانر می‌شوند. این پدیده در هنر و مخصوصاً سینما پررنگ‌تر است. به عنوان مثال، بسیاری از علاقه‌مندان به سینما به فیلم‌های ترسناک و پرتعلیق، فیلم‌های هیجاکامی می‌گویند. این بدین معنی نیست که هیچ کارگردانی تاکنون نتوانسته است بهتر از هیجاکام فیلم ترسناک بسازد (البته نظر شخصی من این است که نتوانسته‌اند!)، بلکه به معنی تأثیر بزرگ و ادامه دار این کارگردان افسانه‌ای بر صنعت سینما و این ژانر است. در دنیا امروز، کمتر با این پدیده مواجه هستیم. تعداد کارگردان‌هایی که آثارشان امضایک ژانر باشد شاید از تعداد انگشتان دست هم کمتر باشد. به عنوان مثال، کریستوفر نولان را می‌توان یکی از این کارگردان‌های نسل جدید سینما نامید که تا حد زیادی در زمینه کارگردانی فیلم‌هایی با درونمایه متافیزیکی و غیرخطی به یک برند تبدیل شده است.

شده‌اند که مخاطب بیشتر در توئیتر و تلگرام آنها را خوانده است. بعد از سریال‌هایی مانند شب‌های برره، بزنگاه، خانه به دوش و نقطه

متأسفانه در سینمای ایران، حداقل دو دهه است که کمتر با تولید آثار منحصر به فرد روبه‌رو شده‌ایم. این جمله به این معنی نیست که هیچ اثر سینمایی خوبی تولید نشده، بلکه به معنی تکراری بودن قواعد فیلم‌سازی است. شاید تنها تغییر نسبتاً چشمگیری که در این به هم زدن قواعد و کلیشه‌ها رقم خورده است، سبک کارگردانی اصغر فرهادی باشد که متأسفانه در چند سال اخیر به طور ناشایسته‌ای مورد تقلید قرار گرفته است.

این تکراری و کلیشه‌ای شدن، بیشتر از همه در ژانر طنز سینمای ایران به چشم می‌خورد. در تقریباً ۱۰ سال اخیر بیشتر از نود درصد فیلم‌های طنز سینمای ایران به سلسله دیالوگ‌هایی تبدیل

حتی اگر اهل سینما رفتن نباشید قطعاً از دیدن سریال‌های تلویزیونی‌اش لذت برده‌اید، سروش صحت است. نویسنده و کارگردان سریال‌های تلویزیونی جذاب ساختن پزشکان، پژمان و لیسانسه‌ها (حبیب قهوه‌ای پوش محبوب القلوب!) و فیلم سینمایی بی نظیر «جهان با من برقص»، این بار با یک سریال طنز در شبکه نمایش خانگی بازگشته است. سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره؟» که بر خلاف غالب سریال‌های تلویزیونی که بعد از دیدن دو قسمت اول قابل پیش‌بینی می‌شوند، مدام در حال غافلگیر کردن مخاطب است.

اگر فیلم سینمایی جهان با من برقص را دیده باشید، زودتر با حال و هوای سریال نیز ارتباط برقرار می‌کنید. ولی نگران نباشید، حتی اگر این فیلم را ندیده‌اید با تماشای دو، سه قسمت از سریال، کاملاً فضا را درک می‌کنید. به شرط اینکه دنبال هیجان و آدرنالین و شوخی‌های دست چندم تلگرامی نباشید!

داستان از چه قرار است؟ عمو جلال (با بازی قدرت‌الله ایزدی) یک مرد میانسال اصفهانی ساکن تهران است که با دو فرزندش شاهین و شهرام (علی مصفا و کاظم سیاحی)، پدرش

چین، کمتر شاهد طنز به معنی واقعی کلمه بوده‌ایم. حداقل برای من دیدن فیلم‌های طنز ایرانی در چند سال اخیر، بیشتر حس نشستن در کلاس یک مدرسه راهنمایی (با به قول نظام جدیدی‌ها متوسطه اول!) را می‌داد که دانش‌آموزان نوجوان و بازیگوش به دنبال تبدیل هر جمله معلم به یک شوخی جنسی هستند (به عنوان مثال فیلم‌هایی مانند هزارپا، نهنگ عنبر، گشت ارشاد، فسیل و...). آنچه که کمتر با آن مواجه می‌شویم، فیلم‌های طنزی هستند که با احترام گذاشتن به شعور مخاطب بدون جوک‌های تکراری، انواع و اقسام فحش‌ها و جملات دوبله‌ی جنسی خنده‌دار باشند.

خوشبختانه، در این قحطی فیلم خوب، هنوز کسانی هستند که می‌توان پای کارهایشان نشست و همزمان از هوش و طنز نویسنده و کارگردان لذت برد و خندید. یکی از این افراد، که



سروش صحت در فیلم‌هایش از طبیعت زیبای ایران به خوبی استفاده می‌کند